



The Sentinel Project

ارزیابی مقدماتی: تهدید نسل‌کشی برای بهائیان ایران

کریستوفر تاکوود / مدیر اجرایی طرح سنتینل

15 مه 2009

سطح تهدید: بالا – آمادگی در حد ناپودی، نیت آشکار، شرایط مطلوب برای نابود کردن هنوز موجود نیست.

محتوای این جزوه:

- 1- مقدمه – نظر اجمالی به وضعیت
- 2- اطلاعاتی درباره پیشینه
 - 2-1 اطلاعات جمعیت‌شناختی
 - 2-2 تاریخ سیاسی ایران
 - 2-3 نظری اجمالی به امر بهائی
- 3- عوامل آماده‌سازی برای نسل‌کشی در ایران
- 4- نیت
- 5- مراحل فرایند نسل‌کشی و شاخص‌های عملی موجود در ایران
 - 5-1 طبقه‌بندی
 - 5-2 نمادسازی
 - 5-3 انسانیت‌زدایی
 - 5-4 سازماندهی
 - 5-5 تضاد و دوگانگی
 - 5-6 حصول آمادگی
- 6- گسترش و افزایش آینده
 - 6-1 عوامل بالقوه گسترش و افزایش
 - 6-2 مسبب‌ها و آغازگرهای بالقوه
- 7- نشانه‌های مورد انتظار برای تشدید اوضاع در آینده
- 8- مرتکبین بالقوه
 - 8-1 سازمان‌های دولتی
 - 8-2 سازمان‌های شبه نظامی
 - 8-3 نقش آفرینان غیردولتی
- 9- تحقیقات بیشتر توسط طرح سنتینل
 - 9-1 پرسش‌های نیازمند پاسخ
 - 9-2 منابع آینده
- 10- استنتاج
یادداشت‌ها و توضیحات

مقدمه: نظر اجمالی به وضعیت

از زمان وقوع انقلاب اسلامی سال 1979 تاکنون، بهائیان ایران از بدرفتاری شدید و سازمان‌دیده توسط عوامل حکومت در رنج و عذاب بوده‌اند. انگیزه این ایذاء و آزار اکثراً اعتقادات مذهبی بنیان‌گذاران و رهبران جمهوری اسلامی بوده است. آنها بهائیان را فرقه‌ای بدعت‌گذار و مرتد از اسلام می‌دانند و سبب این باور اعتقاد آنها به ظهور پیامبری الهی بعد از محمد است، که مسلمانان او را آخرین پیامبر خداوند تلقی می‌کنند. در نتیجه، حقوق حقه قانونی بهائیان از آنان دریغ شده و از استخدام دولتی، مشارکت اقتصادی، و تحصیلات عالی محروم شده‌اند. املاک و دارایی‌های آنها غالباً مصادره می‌شود و اماکن فرهنگی و مذهبی آنها آماج فعالیت‌های تخریبی رسمی می‌گردد. بهائیان معمولاً در رسانه‌های ایران مورد تحقیر و توهین قرار می‌گیرند و اولیاء حکومت آنها را عوامل، جاسوسان بیگانه و "دشمن اسلام" می‌خوانند. بهائیان از اجرای علنی شعائر دینی خود یا سازماندهی هر گونه فعالیت به هر نوع که باشد، ممنوعند؛ از سال 1979 تا کنون، رهبران آنها با دستگیری، زندانی و اعدام شدن مواجه بوده‌اند. تقریباً دویست تن از بهائیان از آن زمان تا کنون اعدام شده‌اند. بقیه جمعیت بهائی ایران با اذیت و آزار مداوم، هجوم و حمله مستمر، و تخریب و ویرانگری همیشگی توسط عوامل حکومت روبرو هستند. در حال حاضر، هفت تن از مدیران عالیرتبه بهائی در ایران با اتهاماتی واهی از قبیل "نشر فساد در ارض"، که می‌تواند مجازات مرگ را در پی داشته باشد، در انتظار محاکمه به سر می‌برند.¹

این وضعیت سبب شده که بهائیان ایران به اقلیتی فوق‌العاده آسیب‌پذیر تبدیل شوند که در معرض تهدید و انسانیت‌زدایی قرار گیرند. حکومت ایران به نظر می‌رسد کمر همت به نابود کردن خود دیانت بهائی و مجبور کردن پیروان آن به اقبال به اسلام محکم بسته است اما بسیار محتمل نیز هست که، تحت بعضی شرایط، به وسایلی بسیار بی‌رحمانه‌تر متوسل گردد و در صدد محو و نابودی عنصری جمعیت بهائی برآید.

اطلاعاتی درباره پیشینه

1- اطلاعات جمعیت‌شناختی

جمعیت ایران تقریباً بالغ بر هفتاد میلیون نفر است. از لحاظ قومی، ایرانیان اکثریت جمعیت را که قریب 51 درصد آن است تشکیل می‌دهند؛ آذری‌ها 24 درصد، گیلکی‌ها و مازندرانی‌ها 8 درصد، کردها 7 درصد، عربها 3 درصد، لرها 2 درصد، بلوچها 2 درصد، ترکمنها 2 درصد و دیگر اقوام 1 درصد باقیمانده را تشکیل می‌دهند. از لحاظ مذهبی، مسلمانان تشکیل دهنده اکثریت 98 درصدی جمعیت هستند؛ 89 درصد شیعه و 9 درصد سنی. زرتشتیان، یهودیان، مسیحیان، بهائیان جمعاً دو درصد جمعیت هستند. از اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمان، بهائیان بزرگترین گروه با جمعیتی بالغ بر 300,000 نفرند.ⁱⁱ با این همه، بهائیان نماینده فقط 0/4 درصد از جمعیت ایران هستند.

2- تاریخ سیاسی ایران

ایران از سال 1795 تا 1979 میلادی [1174 الی 1357 شمسی - م] دارای نظام سلطنتی بود. سلسله قاجار تا سال 1925 میلادی که توسط یکی از افسران ارتش به نام رضاخان منقرض گردید، حکومت کرد؛ رضا خان که از کودتایی حمایت می‌کرد، نخست وزیر شد. پارلمان در سال 1925 عنوان خان را به شاه تغییر داد و رضاشاه نام خانوادگی پهلوی را برای خود برگزید. در دوران سلطنت پهلوی، ایران از افزایش ثروت و نفوذ منطقه‌ای برخوردار گردید اما سرکوبی سیاسی و نفوذ غرب سبب ازدیاد نارضایتی بین مردم شد. آیت‌الله روح‌الله موسوی خمینی به عنوان رهبر مخالفین اهمیت یافت و در سال 1964 تبعید شد و تا اوایل 1979 که شاه ایران را ترک گفت، در تبعید باقی ماند. بعد از بازگشت خمینی از تبعید، جمهوری اسلامی ایران در تاریخ اول آوریل 1979 تأسیس گردید.ⁱⁱⁱ

از زمان درگذشت خمینی در سال 1989، سیاست‌های ایران تنش مداومی بین محافظه‌کاران و هواداران اصلاحات و تفاسیر آزادی‌خواهانه‌تر از قانون اساسی را رقم زده است. گروه اخیر عموماً از روابط عادی با کشورهای همسایه حمایت می‌کنند، گو این که در سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی اختلاف دارند. دو رئیس جمهور، یعنی علی اکبر هاشمی رفسنجانی (1989-1997) و محمد خاتمی (2005-1997)، هر دو اصلاح‌طلبانی بودند که تلاش‌های آنها با مخالفت چشمگیر از سوی نخبگان مذهبی و معمم و مجلس، که تحت استیلای محافظه‌کاران است، مواجه گردید و با شکست روبرو شد.^{iv}

انتخاب محمود احمدی‌نژاد در سال 2005 نشانه‌ای بر تقویت موضع محافظه‌کاری در ایران بود. او وعده داد با فساد مبارزه کند و همبستگی خود با فقرا را حفظ نماید. او که قبلاً از افسران سپاه پاسداران انقلاب بود و در جنگ ایران - عراق، از سال 1980 تا 1988 داوطلبانه می‌جنگید، به نظر می‌رسد از مؤمنان واقعی به انقلاب اسلامی باشد و قسم خورده است که به اصول آن وفادار باقی بماند. احمدی‌نژاد، از زمان انتخابش به ریاست جمهوری، در مورد موضوعاتی از قبیل برنامه‌های مشکوک هسته‌ای ایران، انکار قتل عام یهودیان موسوم به هولوکاست، و تهدید مستمر اسرائیل، نقشی مناقشه‌برانگیز در عرصه جهانی ایفا کرده است.^v

3- نظری اجمالی به امر بهائی

امر بهائی دیناتی است که اواسط سده نوزدهم توسط مردی که بعدها به بهاء‌الله شهرت یافت، در ایران تأسیس گردید. پیروان او از آن زمان تا کنون در وطن خویش با آزار و اذیت شدید روبرو شده‌اند و ده‌ها هزار نفر از آنها در موارد شدت گرفتن خشونت‌های علیه آنها جان باختند. بهاء‌الله، که ادعا می‌کرد پیامبر خدا است، از ایران به بغداد تبعید شد و نهایتاً توسط حکومت امپراطوری عثمانی به محلی که اکنون کشور اسرائیل است، فرستاده شد. علیرغم اذیت و آزارهای شدید داخل ایران، بهائیان توانسته‌اند هویت خویش را حفظ کنند.^{vi}

امر بهائی دینت مستقل توحیدی است که اعتبار کلیه ادیان دیگر را به رسمیت می‌شناسد. در واقع، بهائیان بهاء‌الله را صرفاً جدیدترین پیامبر در سلسله طولانی انبیاء الهی، شامل موسی، بودا، مسیح، و محمد، می‌دانند. آنها عالم انسانی را نژادی واحد تلقی می‌کنند و در فعالیت‌های خود هیچ اهمیتی به سن، نژاد، قوم، یا طبقه اجتماعی نمی‌دهند. بهائیان خشونت را تقیح می‌کنند و در سیاست‌های حزبی مشارکتی ندارند اما نسبت به حکومت هر کشوری که در آن سکونت دارند وفادارند. امروز، تعداد بهائیان در سراسر جهان را حدود 5 میلیون نفر تخمین می‌زنند.^{vii}

عوامل آماده‌سازی برای نسل‌کشی در ایران

شرایطی چند بر احتمال وقوع نسل‌کشی در کشوری معین و تسهیل آماده‌سازی آن می‌افزاید، گو این که خود آنها فی نفسه نسل‌کشی را اجتناب‌ناپذیر نمی‌سازند. عوامل آماده‌سازی که ذیلاً ذکر می‌شود در ایران موجود است:

الف) خصومت بهائی‌ستیزانه دیرین - ایران زادگاه آئین بهائی در اواسط قرن نوزدهم بود، اما پیروانش به طور مداوم، در نتیجه ترکیبی از نفرت عمومی، تحریک روحانیون، و سیاست‌های رژیم‌های متوالی در معرض اذیت و آزار بوده‌اند. کسانی که در حال حاضر به تحریک نفرت و بیزارگی از بهائیان مشغولند تلاش‌هایی در جهت بهره‌برداری از این تاریخ تعصب و تحجر مبذول داشته‌اند.

ب) تاریخ نقض فاحش حقوق بشر - ایران، حتی قبل از انقلاب اسلامی، سابقه بسیار ضعیفی در رعایت حقوق بشر داشته و از زمان انقلاب تا کنون این سابقه رو به وخامت بیشتر گذاشته است. اقلیت‌های قومی و دینی، زنان، افراد دارای تمایلات

جنسی به همجنس، و ناراضیان سیاسی، همه، هدف بد رفتاری‌های رسمی و غیررسمی قرار داشته‌اند. چنین رفتارهای نادرست سازمان یافته و سنجیده ارزشی را که حیات انسانی دارد تنزل می‌دهد و حکومت و عواملش را به سوء رفتار و کشتن اعضاء جامعه عادت می‌دهد.

ج) *تنگنای اقتصادی و شرایط دشوار زندگی* - تنگنای اقتصادی و شرایط دشوار زندگی، به سه دلیل، احتمال نسل‌کشی را افزایش می‌دهد. اول، حسن عدم امنیت در اکثریت جمعیت ایجاد می‌کند که آنها را به تلاش جهت یافتن سپر بلا - مانند اقلیت‌های داخلی، دشمنان خارجی، یا هر دو - وادار می‌سازد تا بدبیری‌های خود را توجیه کنند و نسبت به این گروه‌ها پرخاشگرانه و با خشونت وارد عمل شوند. این پرخاشگری به ظاهر برای حفظ خودانگاره [تصویری که شخص از خویش در نظر دارد] و اعتماد به نفس اکثریت نفوس به کار می‌رود.^{viii} دوم، تمایل مردم به پیروی از رهبران جاذبه‌دار و افراطی افزایش را می‌دهد.^{ix}، بخصوص اگر وعده دهند که شرایط را بهبود خواهند بخشید و وضعیت مطلوب (واقعی یا تصویری) سابق را، غالباً از طریق اقدامات شدید و حاد، دیگر بار برقرار خواهند ساخت. سوم، این شرایط سبب بیکاری بخش‌های عظیمی از جمعیت - معمولاً جوانان ناراضی و بیکار - می‌شود که مایلند در حملات به اقلیت‌ها شرکت کنند یا حداقل از آن پشتیبانی نمایند.^x این نکته آخر از اهمیت خاص برخوردار است، زیرا برآوردهای حکومت ایران میزان بیکاری را در سال 2008 حدود 12/5 درصد تعیین کرده است.^{xi} در میان کارگران جوان، درصد بیکاری به مراتب بالاتر است، که، همراه با دستمزدهای پایین، اخیراً به ناآرامی مرتبط با کار منجر شده است.^{xii} این وضعیت فقط وخیم‌تر شدن اوضاع در آینده نزدیک را وعده می‌دهد.^{xiii}

د) *ابزار نیرومند دولت* - حکومت ایران قادر است از منابع وسیع قوای انتظامی، نظامی، شبه‌نظامی، و اطلاعاتی مدد جوید. دولت سلطه کامل و گسترده بر رسانه‌ها را نیز دارد. چنین رژیمی می‌تواند به راحتی ناراضیانی را سرکوب کند و هر مقاومت فیزیکی در مقابل سیاست‌هایش را خرد نماید. چنین رژیمی از موضع مطلوبی برای ارتکاب نسل‌کشی با استفاده از مصونیت کامل از مجازات برخوردار است.

ه) *رژیم "انقلابی" با انگیزه اعتقادی* - جمهوری فعلی ایران در طی انقلاب اسلامی 1979 تأسیس شد، که ارزش‌هایش در قانون اساسی ایران گنجانده شده است. آنطور که در مقدمه قانون اساسی آمده، "ویژگی اصلی و بنیادی این انقلاب ... ماهیت عقیدتی و اسلامی آن است."^{xiv} بقیه سند مزبور ساختار حکومت مذهبی عوام‌گرایانه‌ای را بیان می‌کند که امروز وجود دارد. چنین دیدگاه‌های انحصارگرایانه شبه مدینه فاضله برای اقلیت‌ها بسیار خطرناک است، بخصوص وقتی که ماهیت ایدئولوژی مورد حمایت آنها مذهبی باشد. اقلیت‌های دینی داخل چنین کشوری، به سبب باورهای "ارتدادی" آنها و پیوندهای تصویری با نظام اجتماعی کهنی که انقلاب در صدد محو کلیه آثار آن است، به عنوان مخالف تلقی می‌شوند.

نیت

به دشواری می‌توان تعیین کرد که آیا حکومت ایران نیت نسل‌کشی برای نابودی عنصری کامل جمعیت بهائی در ایران دارد یا خیر. بعضی اسناد نشان می‌دهد که رژیم به تلاشی آگاهانه و سنجیده برای نابود کردن کارایی بهائیان به صورت یک جامعه دست زده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ 25 فوریه 1991 یادداشتی حاوی رهنمودهایی برای اقدامات دولت نسبت به جامعه بهائی صادر کرد.^{xv} اوایل سال 1993، این سند در گزارشی توسط رینالدو گالیندو پل، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد علنی گردید.^{xvi} این سند سیاست "برخورد" با "مسأله بهائیان" را اینگونه بیان می‌کند که "برخورد نظام با آنان باید طوری باشد که راه ترقی و توسعه آنان مسدود گردد."^{xvii} اگرچه بعضی وعده‌های مشروط برای امنیت عنصری و معاش بهائیان داده می‌شود، اما در ادامه سند فرمان داده می‌شود که، "از دانشگاه‌ها باید اخراج شوند،" "فعالیت سیاسی (جاسوسی) آنها با وضع قوانین و مقررات دولتی پاسخ داده شود،" مسئولین باید از استخدام آنها خودداری نمایند و "پست‌های مؤثر ... به آنان داده نشود،" و این که "برای مقابله با فعالیت‌های اعتقادی و تبلیغی بهائیت" باید تبلیغات گسترده به عمل آید.^{xviii} آنچه که شوم و تهدیدآمیز است آن که، سند مزبور حتی نگاهش را به آن سوی مرزهای ایران دوخته و اظهار می‌دارد، "جهت مقابله و از بین بردن ریشه‌های فرهنگی آنان در خارج از کشور پیشنهاد و طرح تهیه شود."^{xix}

اگرچه یادداشت "مسأله بهائیان" طالب نابودی و ریشه‌کنی عنصری بهائیان ایرانی نیست، اما شواهد روشنی از نقشه گسترده‌ای برای راهنمایی دولت را به دست می‌دهد که قصد آن، آشکارا نابودی امر بهائی و جامعه منتسب به آن، از طریق وادار کردن آنها به اسلام آوردن، است. این نافی انکارهای بعدی دولت در مورد دست داشتن در تشدید حملات به بهائیان است. از آنجا که نیت حکومت برای جلوگیری از رشد جامعه بهائی به این ترتیب تثبیت شده، این امکان وجود دارد که، اگر این رویکرد "آرام و معتدل" منتج به نتایج مطلوب نگردد، در آینده چرخشی به سوی روش‌های خشن‌تر صورت گیرد.

مراحل فرایند نسل‌کشی و شاخص‌های عملی موجود در ایران

اگرچه تعیین نشده که آیا نسل‌کشی هم‌اکنون در ایران صورت می‌گیرد یا خیر، اما اذیت و آزار بهائیان ایرانی دارای وجوه مشترک بسیاری با نسل‌کشی‌های گذشته و جاری است. الگوی فرایند نسل‌کشی که برای بررسی و ارزیابی وقایع ایران به کار می‌رود عبارت از "مراحل هشتگانه نسل‌کشی" است که گریگوری اچ استنتون¹ تدوین کرده است.^{xx} باید توجه داشت که این الگو خطی نیست و این که، اگرچه مراحل پایین‌تر معمولاً مقدم بر مراحل بالاتر است، اما فرایندهای عملی ممکن است به طور هم‌زمان در سراسر نسل‌کشی رخ دهد. تعدادی از شاخص‌های عملی (رویدادهای قابل مشاهده منطبق با هر مرحله الگوی نظری) به طور مستند تهیه شده و برای ارزیابی که آیا هر مرحله در ایران رخ می‌دهد یا خیر به کار برده شده است.^{xxi}

1- طبقه‌بندی

ماده 19 قانون اساسی ایران حقوق و آزادی‌های کلیه شهروندان ایرانی را، صرف نظر از قومیت، نژاد یا زبان، تضمین می‌کند.^{xxii} اما، بالصراحه دین را به عنوان آنچه که با حقوق فردی نامرتبط است، ذکر نمی‌کند. برعکس، برخورداری از چنین حقوقی عملاً منوط به عضویت در ادیان حقه است. ماده 13 اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده را زرتشتی، کلیمی و مسیحی ذکر می‌کند.^{xxiii} به این ترتیب، کلیه مردم ایران از لحاظ دیانت طبقه‌بندی شده‌اند و بهائیان تلویحاً به عنوان خارج از گروه تعریف شده و از کلیه حقوق و حمایت قانونی در ایران محروم شده‌اند.

2- نمادسازی

این فرایندی است که گروه مورد نظر به وسیله آن، نه به عنوان افراد انسان بلکه صرفاً به عنوان واحدهایی درون یک جمع، شناسایی می‌شوند. سپس – گاهی اوقات با نام صحیح گروه، مانند قضیه بهائیان – به نحوی برجسب زده می‌شوند که ویژگی‌های تصویری را می‌توان به راحتی به تمام اعضای گروه تعمیم داد. چنین تعمیم‌هایی بخصوص در مورد بهائیان، که مبین اقلیتی کوچک در جمعیت ایران هستند، فوق‌العاده موفقیت‌آمیز است. در نتیجه، اکثریت ایرانیان هرگز عملاً با هیچ بهائی ملاقات نکرده و هیچ تجربه‌ای ندارند که در قبال آن به مقایسه اطلاعاتی که به آنها داده می‌شود بپردازند. این مرحله‌ای مهم در تشکیل پندار قالبی و انسانیت‌زدایی گروه هدف است.

3- انسانیت‌زدایی

بهائیان مدتهای مدید هدف تبلیغات و سخنان نفرت‌برانگیزانه رسانه‌ای ایران بوده‌اند؛ فعالیتی که در سالهای اخیر شدت گرفته است. غالباً، مبتنی بر زمینه‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی، به عنوان تهدید و افراد دون انسان، مورد حمله قرار می‌گیرند. در قضیه اول، روحانیون مسلمان بهائیان را "مرتد" تعریف می‌کنند زیرا بنیانگذار دیانت خود را پیامبری از سوی خدا، بعد از حضرت محمد، محسوب می‌دارند (نگاه کنید به بخش 1- مقدمه در همین جزوه). از لحاظ سیاسی،

¹ مترجم: Gregory H. Stanton مؤسس و رئیس دیدهبان نسل‌کشی (1999)، مؤسس و مدیر پروژه نسل‌کشی کامبوج (1981)، مؤسس و رئیس فعالیت بین‌المللی برای خاتمه دادن به نسل‌کشی (1999) است. او در حال حاضر (2007-2009) ریاست انجمن بین‌المللی محققان نسل‌کشی را بر عهده دارد.

بهایان (علیرغم آن که پیروان دینانی صلح‌طلب، مسالمت‌جو و غیرسیاسی هستند) غالباً به داشتن ارتباط به دولت‌های بیگانه، مانند اسرائیل و ایالات متحده و نیز رژیم سلطنتی قبل از سال 1979 متهم می‌شوند. آنچه که بسیار قابل توجه است آن که، آنها به اقدامات جاسوسی برای اسرائیل و داشتن همکاری با پلیس مخفی رژیم گذشته متهم می‌گردند. در حیطه اجتماعی، تلاشی برای منع کردن سایر ایرانیان از معاشرت با بهائیان صورت گرفته و در این زمینه آنها را مستمراً با "فاحشگی"، "ارتکاب زنا با محارم"، و "نجس بودن" توصیف می‌کنند.^{xxiv} این تبلیغات در کلیه رسانه‌ها - اعم از روزنامه، تلویزیون^{xxv}، رادیو، فیلمها، سایت‌های اینترنت، بیانیه‌های عمومی مقامات حکومتی - ملاحظه می‌گردد و برای تضعیف و زائل کردن انسانیت و بشریت بهائیان به کار می‌رود. وقتی بهائیان به طور مؤثر انسان‌زدایی شده باشند، کشتن آنها برای مرتکبین آسان‌تر خواهد بود و ناظران با سهولت بیشتر می‌توانند از ریشه‌کنی آنها حمایت کنند یا تماشاچی بی‌طرف باقی بمانند.

4- سازماندهی

دولت ایران قوایی در اختیار دارد که می‌تواند برای ارتکاب نسل‌کشی بهائیان به کار ببرد. این قوا شامل ارتش مرسوم، ارتش پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی، و شبه‌نظامیان بسیجی است. این قوا از لحاظ قابلیت و تعهد عقیدتی در سطوح فوق‌العاده متفاوتی هستند، اما هر یک از آنها منبع بالقوه‌ای از قاتلین است. در قضیه قوای شبه نظامی مانند بسیجیان و بخصوص گروه‌های غیردولتی مانند انصار حزب‌الله، روابط ظاهراً ضعیف‌تر آنها با دولت ممکن است به رژیم اجازه دهد دخالت خود در خشونت گسترده بهائی‌ستیزی را انکار کند. برای اطلاعات بیشتر در مورد این قوا، نگاه کنید به بخش 8- مرتکبین بالقوه.

5- تضاد و دوگانگی

حکومت ایران، به طور اخص از طریق رسانه‌ها، مشغول فعالیت است که تا آنجا که ممکن است بهائیان را از بقیه جامعه جدا کند. این امر سبب تقویت موضع تندروهای محافظه‌کار مذهبی و غیرمذهبی می‌شود که میل دارند آنها نابود شوند و در عین حال مرکز اداره‌ای را که بیشترین امکان کمک به بهائیان را دارد از کار بیندازند. حصول مقصود با توصیف بهائیان به عنوان مرتد و نیز دشمنان داخلی مرتبط با تهدیدات نیرومند بیگانه میسر شده است. بنابراین، هر ایرانی که حامی رفتار برابر با بهائیان باشد یا از حقوق آنها دفاع کند به همدستی با این دشمنان متهم می‌گردد.

6- حصول آمادگی

حکومت ایران برای تضعیف موضع بهائیان در داخل ایران و آماده کردن آنها برای نابودی احتمالی، قدم‌هایی برداشته است. آنچه که از همه بیشتر قابل توجه است آن که، بهائیان از استخدام دولتی اخراج شده و دارای مشارکت اقتصادی بسیار محدودی هستند و از تحصیلات عالی نیز محروم و ممنوع شده‌اند. بسیاری از اماکن تاریخی و فرهنگی آنها، از جمله قبرستان‌های آنها، نابود شده تا هر گونه اثری از موجودیت آنها به کلی از میان برود. اموال غیرمنقول و دارایی‌های مالی بهائیان غالباً مصادره شده، و ویرانگری و خشونت علیه افراد بهائی در حال افزایش است. اواخر سال 2005، ستاد مشترک نیروهای مسلح ایران در دستورالعملی به قوای انتظامی، نهادهای اطلاعاتی، و سپاه پاسداران انقلاب، آنها را مأمور کرد کلیه بهائیان داخل ایران را شناسایی نمایند و آنها را تحت نظر قرار دهند.^{xxvi} در سال 2008 هفت تن از مدیران عال جامعه بهائی ایران، بدون ادنی اتهامی، دستگیر و زندانی شدند. اوائل سال 2009، این مدیران به جاسوسی متهم گشتند و اکنون منتظر آن چیزی هستند که محتملاً محاکمه‌ای کاملاً نمایشی است.^{xxvii} اگر محکوم شوند - که بسیار محتمل است - ممکن است اعدام شوند، سرنوشتی که تعداد زیادی از مدیران جامعه بهائی از زمان انقلاب 1979 تا کنون بدان دچار شده‌اند. این تحولات جامعه بهائی را در مقابل حملات دیگر فوق‌العاده آسیب‌پذیر ساخته است زیرا اکنون به جامعه‌ای فقرزده، تحصیل نکرده، دقیقاً تحت نظارت، و فاقد رهبری و مدیریت تبدیل شده است.

گسترش و افزایش آینده

حکومت ایران به وضوح قصد دارد کارایی فرهنگی جامعه بهائی درون مرزهای خود را از بین ببرد، و همچنین دارای آن قابلیت هست که این جامعه را از لحاظ فیزیکی نیز منهدم نماید. حکومت ایران هنوز قدم بسیار عمده و جدی خود را برنداشته، اما عواملی چند وجود دارد که می‌تواند اذیت و آزار را شدت بخشد (عوامل گسترش و افزایش) یا قتل عام نسل‌کشی را تحریک نماید (مسبب‌ها و آغازگرها).

1- عوامل بالقوه گسترش و افزایش

امنیت بهائیان ایرانی، تحت شرایطی که ذیلاً ذکر می‌شود، محتملاً رو به وخامت بیشتر خواهد گذاشت:

(الف) انحطاط اقتصادی بیشتر - وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی در ایران ممکن است اثرات ضمنی متعددی برای بهائیان داشته باشد. افزایش تنش‌های اجتماعی، بخصوص در میان جوانان بیکاری که به افراط کشیده شده جذب نیروهای شبه نظامی خواهند شد، ادامه خواهد یافت. ایرانیان در جستجوی سپرهای بلا برخوانند آمد تا آنها را مسئول گرفتاری‌ها و مشقات خود بدانند و همراه با آن خصومت بهائی‌ستیزانه نیز ممکن است افزایش یابد.

(ب) افزایش در قوه محافظه‌کاران - اگر تندروهای مذهبی از نفوذ بیشتری برخوردار شوند، محتملاً اجرای رفتار خشن‌تر نسبت به کلیه اقلیت‌های دینی، بخصوص بهائیان، را به مراتب راحت‌تر و سهل‌تر خواهند یافت زیرا اینان کمتر از همه تحت حمایت قرار دارند.

(ج) معضلات قوه محافظه‌کاران - رژیم‌های ضعیف، بی‌ثبات و تحت تهدید خطرناکند زیرا قابل پیش‌بینی نیستند و ممکن است به نحوی غیرمنطقی دست به تلاشی بزنند تا، قبل از سلب قدرت از آنها، یا قدرت خود را حفظ کنند یا اهداف عقیدتی خود را تحقق بخشند. به این ترتیب، هر مشکلی که برای قدرت تندروهای مذهبی پدید آید ممکن است احتمال دست زدن آنها به اقدامات هولناک را افزایش دهد.

(د) استمرار شکست و ناکامی در تلاش‌ها برای برگرداندن بهائیان به اسلام - رهبران مذهبی ایران، اگر در نابود کردن دیانت و جامعه بهائی از طریق وسائل "ملایم‌تر" ناکام بمانند، ممکن است در برخورد با آنها به روش‌های خشن‌تر رو بیاورند. رهبرانی از این قبیل در حال حاضر تلاش می‌کنند بهائیان را به تبری از دین "ارتدادی" خود وادار نمایند اما تا به حال با شکست روبرو شده‌اند؛ اگر بهائیان همچنان با موفقیت در مقابل این تلاش جهت رویگردانی آنها از دینشان مقاومت نمایند، آزارگران ممکن است نابودی آنها را تنها راه چاره عملی برای ریشه‌کنی دینشان از جامعه ایران تلقی نمایند.

2- مسبب‌ها و آغازگرهای بالقوه

چنانچه هر گونه تهدید واقعی یا تصویری نسبت به امنیت ایران یا استیلای اسلام صورت گیرد، ممکن است قتل عام بهائیان ایرانی عملی گردد. محتمل‌ترین قضایا عبارتند از:

(الف) هجوم نظامی بیگانه به ایران - تحقق تهدیدات تصویری خارجی به ایران می‌تواند سبب شود که حکومت علیه دشمنان تصویری داخلی اقدام کند. این امر، به دو علت، بخصوص در قضیه حملات اسرائیل یا ایالات متحده محتمل است. اول آن که، بهائیان هم‌اکنون در تبلیغات سیاسی ایران به داشتن ارتباط با هر دو کشور متهم هستند؛ دو کشوری که تصور می‌شود اینها عوامل جاسوسی یا "ستون پنجم" آنها هستند. دوم آن که، احتمال ندارد که ایران بتواند بلافاصله و به طور مستقیم حملات هیچیک از این دو کشور را تلافی نماید و بنابراین حتی بسیار محتمل‌تر است که علیه دشمن تصویری داخلی، که در ضمن سازماندهی اقدامات عملی نظامی می‌شود به عنوان سپر بلای موقت از آنها استفاده کرد، وارد عمل شود. جنگ فرصتی مغتنم و عالی برای ارتکاب نسل‌کشی پدید می‌آورد زیرا ترس و آشفتگی حاکم می‌گردد و در عین حال موانع عادی علیه کشت و کشتار کاهش می‌یابد.

(ب) ناآرامی و/یا خشونت داخلی چشمگیر - اگر مخالفت مردمی چشمگیری قرار باشد علیه رژیم ایران صورت گیرد، یا اگر هر یک از جنبش‌های قومی جدایی‌طلب که فعلاً در چند استان ایران فعالند بر پرخاشگری خود بیفزایند یا از موفقیت بیشتری برخوردار شوند، محتملاً سرکوبی حاصل از آن متضمن افزایش اذیت و آزار بهائیان خواهد شد. هر یک از این دو وضعیت موجد انگیزه‌های احتمالی و فرصتی مغتنم برای رژیم خواهد بود تا، به دلایل مشابه مربوط به حمله نظامی بیگانه، دست به نسل‌کشی بزند.

نشانه‌های مورد انتظار برای تشدید اوضاع در آینده

اگر رژیم ایران در آینده اذیت و آزار بهائیان را شدت بخشد یا آمادگی آنها برای نابودی را به حد کمال رساند، با شاخص‌هایی چند از قبیل آنچه که ذیل ذکر می‌شود، چنین کاری قابل تشخیص خواهد بود:

(الف) رکود و عدم تحرک جمعیت بهائی - بخش مهمی از فرایند نسل‌کشی جلوگیری از دسترسی گروه مورد نظر به راه‌های فرار است. در ایران، آن را می‌توان در محدود کردن سفر بهائیان در داخل کشور و/یا جلوگیری از کوچ آنها مشاهده کرد.

(ب) متمرکز کردن جمعیت بهائی - مشابه، و معمولاً متعاقب عدم تحرک عبارت از متمرکز ساختن، یا "اسکان در گتوها" است، زیرا مرتکبین جمعیت مورد نظر را در مناطق مرکزی جمع می‌آورند که با سهولت بیشتر بتوان آنها را کشت یا به آسانی بتوان از آنجا اخراج کرد.

(ج) جداسازی مردان از زنان - جدا کردن مردان از گروه مورد نظر غالباً اقدامی مقدم بر کشت و کشتار است که ممکن است مرتکبین برای گسستن پیوندهای اجتماعی داخل گروه و بی اثر ساختن اعضاء متفکری که احتمالاً در مقاومت توانا تر هستند، بدان مبادرت نمایند.

(د) جدا کردن فرزندان بهائی از خانواده - چون کسانی که به اذیت و آزار بهائیان ایران مشغولند، ماهیت زیانمند ریشه گرفتن باورهای بهائی در گروه هدف را بیش از هر خصیصه ذاتی یا زیستی مد نظر دارند، گاهی اوقات به محکومین بهائی پیشنهاد کرده‌اند که با تبری از عقیده و دیانت خویش، جان خود را نجات دهند و از مرگ بربهند. در حالی که این تلاش ثابت شده که در مورد بزرگسالان ناموفق بوده است، آنها ممکن است نهایتاً کودکان را از خانواده‌هایشان جدا کنند تا آنها را مسلمان بار بیاورند و به این ترتیب استمرار نسلی و تولید مثلی جامعه بهائی را نابود سازند.^{xxviii}

مرتکبین بالقوه

چندین سازمان هستند که حکومت ایران می‌تواند از آنها بخواهد نسل‌کشی را علیه بهائیان مرتکب شوند. بعضی از آنها نیروهای مرسوم (یعنی نیروی انتظامی یا نظامی) هستند که مستقیماً تحت سلطه و اختیار دولتند. نیروهای غیرمرسوم در ایران یا سازمان‌های شبه نظامی‌اند که دولت آنها را در اختیار دارد یا سازمان‌های غیردولتی هستند که احتمالاً به نسل‌کشی بهائیان کمک خواهند کرد. این بخش به بررسی سازمان‌هایی می‌پردازد که می‌توانند مرتکبین بالقوه باشند. آحاد رهبران و سایر افراد علاقمند بعداً مورد تحقیق بیشتر قرار خواهند گرفت و در گزارش آینده مورد بحث واقع خواهند شد.

1- سازمان‌های دولتی

حکومت ایران دارای قوای مرسوم چشمگیری است که می‌تواند از آنها بخواهد برای مقاصد امنیتی داخلی و خارجی وارد عمل شوند:

(الف) ارتش - ارتش ایران تخمیناً دارای 350,000 نیرو است.^{xxix} باور بر این است که، بعد از تجربه تلخ جنگ ایران و عراق، در اثر تلاش‌های مدرن سازی، این نیرو کاملاً تعلیم دیده، کارآمد، و منضبط است.^{xxx}

(ب) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - این نیرو، با نیروی زمینی تخمیناً متجاوز از صد هزار نفری، که معمولاً پاسداران انقلاب نامیده می‌شود، سازمان نظامی با پایه‌ها و تعهدات عقیدتی است که مستقل از ارتش مرسوم، اما به موازات آن، عمل می‌کند و در عین حال نقشی عظیم در امنیت داخلی نیز ایفا می‌نماید،^{xxxi} که احتمالاً سبب می‌شود آنها به ارتکاب نسل‌کشی بهائیان کمک کنند.

(ج) نیروی انتظامی - ایران تخمیناً دارای چهل هزار نفر در قوای تنفیذ قانون است که در سراسر کشور پراکنده هستند.^{xxxii}

2- سازمان‌های شبه نظامی

حکومت ایران قادر است از مجموعه عظیم نفرات اکثراً جوان، تعلیم ندیده و دارای تسلیحات اندک نیز برای کاربرد داخلی استفاده نماید. در حال حاضر فقط یک نیروی اینچینی قابل توجه و ذکر است:

(الف) نیروی مقاومت بسیج - از این گروه که نیروی اصلی شبه نظامی در ایران است، غالباً تحت عنوان بسیج نام برده می‌شود. بسیج عمدتاً سازمانی از جوانان است که تعداد نفرات فعال آن تا 300,000 نفر تخمین زده می‌شود،^{xxxiii} گو این که می‌تواند از نیروی ذخیره بیشتر استفاده کند؛ بعضی برآوردها حاکی از آن است که توان بسیج تا سه میلیون نفر است.^{xxxiv} بسیج تحت کنترل پاسداران انقلاب است و به عملیات امنیت داخلی کمک می‌کند. اعضاء آن عمدتاً به نظارت بر فعالیت‌های شهروندان و تنفیذ قوانین اخلاقی ایران توجه دارند. بعضی بخش‌های بسیج در عملیات ضد شورش نیز فعالیت دارند. روی هم رفته، تصور بر این است که سازمان مزبور در مدت زمان ریاست جمهوری احمدی‌نژاد احیاء گردید.^{xxxv} این سازمان مجموعه بزرگی از افرادی را برای رژیم فراهم می‌آورد که تعلیمات عقیدتی و نظامی دیده‌اند؛ آنها احتمالاً در نسل‌کشی بهائیان شرکت می‌کنند و احتمالاً عمده قوای مرتکبین را تشکیل می‌دهند.

3- نقش آفرینان غیر دولتی

بعضی از گروه‌های ایرانی اختیاراتی دارند که صریحاً یا تلویحاً آنها را احتمالاً نیروهای آزار دهنده بهائیان می‌سازد. این گروه‌ها مستقل از حکومت عمل می‌کنند اما روابط مشکوکی نیز با آن دارند.

(الف) /انصار حزب‌الله - این سازمان که نامش به معنای "پیروان حزب خداوند" است، سازمانی شبه نظامی با روابط نیمه رسمی با شخصیت‌های درون حاکمیت است، گو این که رژیم آن را انکار می‌کند. این سازمان که ابعادش ناشناخته است، عمدتاً بر حمله به کسانی متمرکز است که آنها را ناقض اصول اسلام یا حامی تغییرات (مانند اصلاح‌طلبان یا دانشجویان معترض) تلقی می‌کند، و آنها را تهدیدی برای استیلاي انقلاب اسلامی محسوب می‌دارد.^{xxxvi} انصار حزب‌الله، همانطور که در واقعه سال 2007 در شهر آباد مشهود شد و شعار دیواری‌اش بر ساختمان‌های نقش بست که "حزب‌الله بیدار است از بهائی بیزار است"^{xxxvii}، هم‌اکنون در فعالیت ضد بهائی دست دارد. این سازمان به نظر می‌رسد که دارای انگیزه‌های عقیدتی برای مساعدت به حرکت‌های تشدید شده ایدایی یا حتی نسل‌کشی بهائیان است، گو این که اطلاعات بیشتری برای ارزیابی قابلیت‌هایش ضروری است.

(ب) /انجمن حجّیه - اطلاعات موثق زیادی درباره حجّیه در دست نیست، اما این مطلب معلوم است که باید سازمانی تا حدی سرّی باشد که در سال 1954 به طور اخصّ به قصد نابود کردن امر بهائی تأسیس گردید؛ این انجمن امر بهائی را بزرگترین تهدید برای اسلام به شمار می‌آورد. سازمان مزبور نفوذی چشمگیر بر اعضاء عادی انقلاب اسلامی سال 1979 داشت.^{xxxviii} در افواه شایع است که احمدی‌نژاد رئیس جمهور نیز زمانی عضو انجمن حجّیه بوده است.

تحقیقات بیشتر توسط طرح سنتینل

1- پرسش‌های نیازمند پاسخ

در مطالب بالا به چند نکته پرداخته نشد، یا به این علت که خارج از حیطه این گزارش بود یا به آن علت که مبین فواصل پر نشده‌ای در علم ما نسبت به وضعیت در ایران است. در گزارش جامعی که در آینده تهیه خواهد شد، اینها مورد شرح و بسط واقع می‌گردد. در مورد دوم، به پرسش‌های زیر باید جواب داده شود:

- (الف) چه افرادی احتمالاً مرتکبین را به نسل‌کشی بهائیان هدایت خواهند کرد؟
- (ب) جمعیت ایران تا چه حدی از نسل‌کشی بهائیان حمایت خواهد کرد؟
- (ج) ابعاد، قابلیت‌ها و مقاصد گروه‌هایی از قبیل انصار حزب‌الله و حجّیه چیست؟
- (د) آیا بخش‌های معینی از جمعیت ایران احتمالاً به بهائیان جهت مخفی شدن یا فرار کمک خواهند کرد؟
- (ه) واکنش بین‌المللی تا کنون در مقابل اذیت و آزارهای ضد بهائی چه بوده است؟
- (و) چه عواملی در حال حاضر مانع از آن است که حکومت ایران به اقدامات خشن‌تر علیه بهائیان مبادرت نماید؟

ز) چه اقداماتی در جلوگیری از نسل‌کشی بهائیان مؤثرتر است؟

2- منابع آینده

برای جواب دادن به پرسش‌هایی که در بخش 1- پرسش‌های نیازمند پاسخ مطرح شد، چند راه وجود دارد. طرح سنتینل بخش عمده‌ای از اطلاعات مورد استفاده در این گزارش را از منابع علنی مانند رسانه‌ها، گزارش‌های دولتی، و انتشارات محققانه گرد آورده است. چون این کار ادامه دارد و در صدد جواب گفتن به سؤالات فوق است، لازم خواهد بود که تلاش برای جمع‌آوری اطلاعات توسعه یابد. مثلاً، طرح سنتینل فعلاً برای جمع‌آوری شرح‌های دست اول از بهائینی که ایران را ترک کرده و اکنون در کانادا سکونت اختیار کرده‌اند، برنامه مصاحبه را در دست اجرا دارد. منبع امکانپذیر دیگر برای کسب اطلاعات ممکن است از عوامل تماس در داخل ایران یا کشورهای همسایه نشأت بگیرد که می‌توانند اطلاعات محلی موجود را در اختیار بگذارند. منابع فارسی‌زبان نیز فعلاً مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند اما ممکن است انبوه اطلاعاتی را تأمین کنند که در صورت استفاده از مترجمین قابل اکتفاء کاربرد خواهد داشت. تحلیل تبلیغات بهائی‌ستیزانه ممکن است بینش‌های مفیدی را نسبت به قصد رژیم ایران به دست دهد.

استنتاج

بهائیان ایران اقلیت مذهبی تحت تهدیدی هستند که در میان جمعیت مسلمانی که به مراتب گسترده‌تر است زندگی می‌کنند. رژیم ایران از تاریخ طولانی اذیت و آزارهای بهائی‌ستیزانه استفاده کرده تا به اهداف فعلی مذهبی و سیاسی خود نائل گردد. عوامل اقتصادی، تاریخی و سیاسی در ایران وجود دارد که آن را به تجربه کردن یک نسل‌کشی متمایل کرده است. اسنادی وجود دارد که نیت حکومت برای نابود کردن جامعه بهائی به عنوان واحدی کارآمد را با سرکوب کردن آن و تلاش برای واداشتن اعضایش به اقبال به اسلام، ثابت می‌نماید. نیت نسل‌کشی را هنوز نمی‌توان به طور کامل اثبات نمود، اما نیت نابود کردن خود امر بهائی را، در صورتی که بی‌ثمر بودن سایر اقدامات ثابت شود، می‌توان توسعه داد تا پیروانش را نیز در بر بگیرد. بهائیان ایران اینک فقرزده، بدون رهبر و فاقد حمایت قانونی (غیر اهل ذمه) هستند. اما تبلیغات تحت حمایت حکومت آنها را به عنوان دشمنان داخلی نیرومندی به تصویر می‌کشد که در خدمت دشمنان نیرومند خارجی هستند. اگر تصمیم به نسل‌کشی گرفته شده باشد، رژیم ایران کاملاً آماده است که آن را علیه بهائیان اجرا کند و در این راه احتمالاً می‌تواند از چندین نیروی نظامی و شبه نظامی که در اختیار دارد، با مصونیت از هر گونه مجازات، استفاده کند. وضعیت موجود در ایران مستلزم تحقیق بیشتر برای کسب آگاهی کامل است. باید در اسرع وقت کار شروع شود تا تعیین گردد برای کاهش شدت و شتاب حرکت‌های ایدایی و نیز کمک به بهائیان برای رسیدن به امنیت، و نحوه اجرای اقدامات مزبور چه اقداماتی مؤثرتر خواهد بود.

یادداشت‌ها و توضیحات

ⁱ "Iranian Baha'i leaders may face new accusation on anniversary of imprisonment." 12 May 2009. Baha'i World News Service. <http://news.bahai.org/story/713>, accessed 13 May 2009.

ⁱⁱ Hassan, Hussein D. "Iran: Ethnic and Religious Minorities." CRS Report for Congress. Congressional Research Service, 25 November 2008.

ⁱⁱⁱ "Country Profile: Iran." Library of Congress – Federal Research Division. May 2008: 10.

^{iv} ibid

^v Hassan, Hussein D. "Iran: Profile of President Mahmoud Ahmadinejad." CRX Report for Congress. Congressional Research Service, 9 July 2008.

^{vi} "Baha'i Faith." Encyclopedia Britannica. <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/48930/Bahai-faith>, accessed 12 May 2009.

^{vii} "The Baha'i Faith." Baha'i Topics: An Information Resource of the Baha'i International Community. <http://info.bahai.org/>, accessed 12 May 2009

^{viii} Staub, Ervin. *The Roots of Evil: The Origins of Genocide and Other Group Violence*. New York: Cambridge University Press, 2000. Pp. 13-15, 35-36, 44.

^{ix} Ibid, p. 24

- ^x Alvarez, Alex. "Milicias and Genocide." *War Crimes, Genocide, & Crimes against Humanity*. Volume 2 (2006) 1-33.
- ^{xi} "Iran." CIA – The World Factbook. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/goes/ir.html>, accessed 23 April 2009.
- ^{xii} "Country Profile: Iran."
- ^{xiii} Melik, James. 27 February 2009. "Iran Threatened With Economic Meltdown." BBC News. <http://news.bbc.co.uk/2/hi/business/7907326.stm>, accessed 23 April 2009.
- ^{xiv} "Iran – Constitution." International Constitutional Law. <http://www.servat.unibe.ch/law/icl/ir00000.html>, accessed 23 April 2009.
- ^{xv} "Iran: Chronology of Events June 1989 – July 1994." January 1995. Immigration and Refugee of Canada. http://2.irb-disr.gc.ca/en/research/ndp/ref/index_e.htm?docid=191&cid=0&version=printable&disclaimer=show. Accessed 14 May 2009
- ^{xxvi} برای ملاحظه متن کامل گزارش آقای گالیندو پل نگاه کنید به:
E/CN.4/1993/41 "Report on the Situation of Human Rights in Iran." 28 January 1995. United Nations. Acquired from the Human Rights and Democracy Library at <http://iranrights.org/english/document-226.php>, accessed 14 May 2009.
- ^{xvii} "Baha'i Question memorandum (English translation and Persian original), 25 February 1991." In *The Baha'i Question: Cultural Cleansing in Iran*. Baha'i International Community, September 2008, 83-85.
- ^{xviii} Ibid.
- ^{xix} Ibid.
- ^{xx} Stanton, Gregory H.. "The Eight Stages of Genocide." Genocide Watch. <http://www.genocidewatch.org/8stages.htm>, accessed 22 April 2009.
- ^{xxi} دو مرحله آخر، یعنی "ریشه‌کنی" و "رد و انکار" حذف شده است زیرا قتل‌عام‌های بهائیان در بعد وسیع هنوز در ایران رخ نداده است؛ از این رو، چیزی وجود ندارد که دولت انکار کند. اما، باید توجه داشت که دولت به طور مداوم سوء رفتار منظم و سازمان یافته علیه بهائیان را انکار کرده و حتی هیچگونه نقض حقوق انسانی آنها را اعتراف نمی‌کند.
- ^{xxii} "Iran – Constitution."
- ^{xxiii} Ibid.
- ^{xxiv} مصاحبه‌های گوناگونی که توسط داوطلبان پروژه سننیل با بهائیان ایرانی که به کانادا گریخته‌اند صورت گرفته است.
^{xxv} برای نمونه تبلیغات بهائی سنیزی نگاه کنید به "مستندات" تلویزیون ایران به نام *راز ارمجدون* *The Secret of Armageddon*. این محصول کلیمیان و بهائیان را به توطئه برای تصرف ایران و نابودی اسلام متهم می‌کند. این مستند را می‌توان در سایت طرح نظارت تلویزیونی مؤسسه تحقیقات رسانه‌ای خاور میانه در <http://www.memritv.org/clip/en/1802.htm> مشاهده نمود.
- ^{xxvi} "Text of secret Iran letter ordering "monitoring" of Baha'is is made public." 24 August 2006. Baha'i World News Service. <http://news.bahai.org/story/473>, accessed 5 May 2009.
- ^{xxvii} Erdbrink, Thomas. "Iran Accuses 7 Jailed Leaders of Bahai Faith of Espionage." 18 February 2009. Washington Post. <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2009/02/17/AR2009021703011.html>, accessed 5 May 2009.
- ^{xxviii} چنین رویدادی را می‌توان آغاز مرحله ریشه‌کنی و نابودی تلقی کرد، زیرا انتقال اجباری کودکان به خارج از گروه را میثاق سازمان ملل در جلوگیری از جنایت نسل‌کشی و مجازات آن اقدام به نسل‌کشی تعریف کرده است مشروط بر آن که ضرورتاً با نیت نسل‌کشی عملی شده باشد.
- ^{xxix} "General Information – Iran." Federation of American Scientists Military Analysis Network. <http://www.fas.org/programs/ssp/man/militarysumsfolder/iran.html>, access 14 May 2009.
- ^{xxx} "Jane's World Armies – Iran." 15 April 2009, Jane's Information Group.
- ^{xxxi} Ibid.
- ^{xxxii} "General Information – Iran." Federation of American Scientist.
- ^{xxxiii} Ibid.
- ^{xxxiv} "Niruyeh Moghavemat Basij – Mobilisation Resistance Force." GlobalSecurity.org. <http://www.globalsecurity.org/intell/world/iran/ansar.htm>, accessed 14 May 2009.
- ^{xxxv} Ibid
- ^{xxxvi} "Ansar-I Hizbullah – Followers of the Party of God." GlobalSecurity.org. <http://www.globalsecurity.org/intell/world/iran/ansar.htm>, accessed 14 May 2009.
- ^{xxxvii} "Iranian government campaign against Baha'is shows new facets." 21 September 2007. Baha'i World News Service <http://news.bahai.org/story/578>, access 14 May 2009.

^{xxxviii} “US Religious Freedom Official expresses fears for Baha’is in Iran.” 20 March 2006. Baha’i World News Service. <http://www.bahaiworldnews.org/story/432>, accessed 14 May 2009.